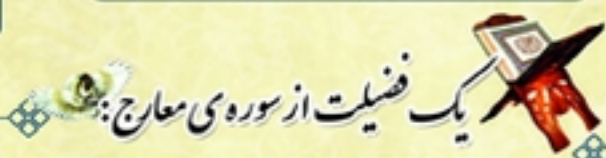


صحیفه سجاده:

مولای من! و بر من رحم کن. آن زمان که چهره و حالت دگرگون شود، و آنگاه که بدنم پوسیده شود، و اعضایم از هم بپاشد، و مفصلهایم پراکنده شود، ای وای بر غفلت و بی خبری من از آنچه برایم تدارک دیده اند. (صحیفه سجاده، نیایش ۳۸)

حدیث

امام علی علیه السلام:
شرافت انسانی فقط به عقل و ادب او است نه به مال و نژاد.
(منتخب الغرر، ص ۳۰۴)



یک فضیلت از سوره ی معارج:

امام صادق (ع) فرمود:

سوره ی معارج را زیاد بخوانید زیرا بی شک کسی که زیاد آن را بخواند، در روز قیامت خداوند از گناه او سوال نمی نماید و در بهشت او را با حضرت محمد و اهل بیت او سکونت دهد: ان شاء الله.

(همراه با قرآن، ص ۱۳۹)

دل نوشته:

مردی با خود زمزمه کرد: خدایا با من حرف بزن...
یه سار شروع به خواندن کرد! اما مرد نشنید!
مرد فریاد برآورد خدایا با من حرف بزن...
آذرخش در آسمان غرید، اما مرد اعتنایی نکرد!
مرد به اطراف خود نگاه کرد و گفت: تو کجایی؟!
بگذار تو را ببینم...
ستاره ای درخشید، اما مرد ندید!
مرد فریاد کشید "خدایا یک معجزه به من نشان بده."
کودکی متولد شد و اما مرد باز توجهی نکرد!
مرد در نهایت یاس فریاد زد: خدایا خودت را به من نشان بده و بگذار تو را ببینم...
از تو خواهش می کنم...
پروانه ای روی دست مرد نشست و او پروانه را پراند و به راهش ادامه داد...
ما خدا را گم می کنیم...
در حالی که او در کنار نفس های ما جریان دارد...



وَعَائِی رُوز، ششم ماه مبارک رمضان:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْإِيْتَامِ وَإِطْعَامِ الطَّعَامِ وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ وَصَحْبَةَ الْكِرَامِ بِطَوْلِكَ يَا مُلْجَأَ الْآمِلِينَ.

خدایا روزیم کن در آن ترحم بر یتیمان و طعام نمودن بر مردمان و افشاء سلام و مصاحبت کریمان به فضل خودت ای پناه آرزومندان.

حکایت:

پاره آجر:

روزی مردی ثروتمند در اتومبیل جدید و گران قیمت خود با سرعت فراوان از خیابان کم رفت و آمدی می گذشت. ناگهان از بین دو اتومبیل پارک شده در کنار خیابان، یک پسر بچه پاره آجر به سمت او پرتاب کرد. پاره آجر به اتومبیل او برخورد کرد. مرد پایش را روی ترمز گذاشت و سریع پیاده شد و دید که اتومبیلش صدمه زیادی دیده است. به طرف پسرک رفت تا او را به سختی تنبیه کند. پسرک گریان با تلاش فراوان بالاخره توانست توجه مرد را به سمت پیاده رو، جایی که برادر فلجش از روی صندلی چرخدار به زمین افتاده بود جلب کند. پسرک گفت: "اینجا خیابان خلوتی است و به ندرت کسی از آن عبور می کند. هر چه منتظر ایستادم و از رانندگان خواستم کسی توجه نکرد. برادر بزرگم از روی صندلی چرخدارش به زمین افتاده و من زور کافی برای بلند کردنش ندارم." برای اینکه شما را متوقف کنم ناچار شدم از این پاره آجر استفاده کنم. مرد متاثر شد و به فکر فرو رفت برادر پسرک را روی صندلی اش نشاند، سوار ماشینش شد و به راه افتاد ...

خدا در روح ما زمزمه می کند و با قلب ما حرف می زند اما بعضی اوقات زمانی که ما وقت نداریم گوش کنیم، خداوند مجبور می شود برای جلب توجه ما پاره آجر به سمت ما پرتاب کند. پس در زندگی چنان با سرعت حرکت نکنید که ...

(۱۰۰، ص ۱۱۴)

بخور، بخور مسنوع:

ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان، پیروی نکنید. براستی که او دشمن آشکار شماست.

(بقره ۱۶۸)

معمولاً قرآن در کنار اجازه ی مصرف، شرطی را بیان کرده است؛ مثلاً:

از چیزهای حلال و پاکیزه استفاده کنید: "بخورید ... در حالی که حلال و پاکیزه باشد."

بخورید و فسادگری نکنید: "بخورید و بیاشامید ... و در زمین فساد نکنید."

از نعمت ها استفاده کنید و اسراف نکنید: "بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید."

هم خود استفاده کنید، و هم به دیگران بدهید: "بخورید و اطعام کنید."

(دقایقی با قرآن، ص ۲۷۷)

مسابقه شماره ۸:

طواسین چیست؟